

به نام خدا

دهمین همایش دوسالانه اقتصاد اسلامی

«اقتصاد اسلامی و چالش های اصلی اقتصاد ایران: توسعه، عدالت و اشتغال»

امروز اقتصاد ایران با چالش های مهمی در زمینه توسعه و تحقق آرمان های جمهوری اسلامی روبرو است. بسیاری از آرمان ها نتوانسته است تحقق بیابد و روند مورد انتظار در زمینه توسعه، تحقق نیافته است. از مهمترین چالش های اقتصاد ایران زمینه های توسعه، عدالت و اشتغال هستند. بر همین پایه، دهمین همایش دوسالانه اقتصاد اسلامی با موضوع اقتصاد اسلامی و چالش های اصلی اقتصاد ایران در زمینه عدالت، اشتغال و توسعه برگزار می شود. امیدواریم یافته های علمی اندیشمندان در این زمینه بتواند در چارچوب این همایش، گردآوری شود و برای سیاست گذاری و برنامه ریزی در اختیار مسئولان قرار گیرد. از همه اندیشمندان و پژوهشگران دعوت می کنیم با ارایه مقاله های ارزشمند خود به این همایش در جهت تحقق آرمان های توسعه ایران اسلامی ما را یاری فرمایند. دبیرخانه همایش از مقاله های در چارچوب موضوع اصلی همایش در زمینه های زیر استقبال می کند.

نخستین نشست از نشست های شش گانه دهمین همایش دوسالانه اقتصاد اسلامی، در تاریخ دوشنبه ۱۳۹۶/۷/۱۷ در محل سالن اجتماعات دانشکده اقتصاد و علوم سیاسی دانشگاه شهید بهشتی برگزار شد.

ردیف	سخنران		موضوع	زمان
	نام و نام خانوادگی	سمت		
۱	سرود جمهوری اسلامی ایران		آغاز برنامه	۱۴:۰۵-۱۴:۰۰
۲	دکتر مرتضی عزتی	دبیر همایش، رئیس انجمن اقتصاد اسلامی ایران	گزارش دبیر: توسعه، علم و دین	۱۴:۲۰-۱۴:۰۵
۳	دکتر هادی قوامی	نماینده مجلس شورای اسلامی	توسعه در اقتصاد ایران	۱۴:۴۰-۱۴:۲۰
۴	دکتر محمدرضایوسفی	رئیس مرکز مطالعات اقتصادی دانشگاه مفید	اسلام، نهادهای دینی و توسعه	۱۵:۰۰-۱۴:۴۰
۵	دکتر فرهاد دژپسند	معاون سازمان برنامه و بودجه و رئیس مرکز آموزش و پژوهش های توسعه و آینده نگری	الزامات توسعه در اقتصاد ایران	۱۵:۲۰-۱۵:۰۰
۶	دکتر فاطمه سادات جعفریه	دانشکده اقتصاد و علوم سیاسی دانشگاه شهید بهشتی	نقشه راه برای تدوین برنامه توسعه	۱۵:۴۰-۱۵:۲۰
	دکتر محمد نوفرستی	مدیر میزگرد، معاون دانشکده اقتصاد و علوم سیاسی دانشگاه شهید بهشتی	میزگرد و پرسش و پاسخ	۱۷:۰۰-۱۵:۴۰

در این نشست نخست دکتر مرتضی عزتی دبیر همایش و رئیس انجمن اقتصاد اسلامی ایران به جایگاه بایسته علم و ایدئولوژی در دانش و برنامه ریزی توسعه پرداخت.



در ادامه آقای دکتر محمدرضا یوسفی، رئیس مرکز مطالعات اقتصادی دانشگاه مفید سخنان خود را در زمینه جایگاه نهادهای دینی در توسعه و وضعیت انحراف امروز از جایگاه بایسته ارایه کردند.



آنگاه خانم دکتر فاطمه سادات جعفریه عضو هیات علمی دانشکده اقتصاد و علوم سیاسی دانشگاه شهید بهشتی جایگاه آموزه‌های دینی در نقشه راه برای تدوین برنامه توسعه را تشریح کردند.



سپس، آقای دکتر فرهاد دژپسند، معاون سازمان برنامه و بودجه و رئیس مرکز آموزش و پژوهش توسعه و آینده نگری در باره الزامات توسعه در ایران سخنرانی کردند.



در پایان میزگردی در باره موضوع نشست با حضور آقایان دکتر محمد نوفرستی، دکتر محمدرضا یوسفی، دکتر فرهاد دژپسند و دکتر مرتضی عزتی و خانم فاطمه سادات جعفریه برگزار شد.



خلاصه سخنرانی‌های این نشست در زیر آورده شده است.

توسعه، علم و دین

دکتر مرتضی عزتی

یکی از موانع رشد و توسعه برخی کشورهایی که بر پایه ایدئولوژی یا جهان‌بینی افراطی اداره می‌شوند و موجب شکست آنها شده است، جهان‌بینی نادرست و قرار دادن آن در جایگاه نادرست است. کشورهای کمونیستی، جهان‌بینی را بر پایه اعتقادهای برگرفته از نظر شخصی رهبران خود قرار دادند و آن را از واقعیت‌ها تهی کردند. جهان‌بینی غیر واقع‌گرا، دیدگاه گمراه‌کننده‌ای به آنها داد که جهان را غیر واقعی دیدند. بر این پایه بیشتر تصمیم‌سازی‌ها و سیاست‌گذاری‌های آنها غیر واقع‌گرایانه شد و نتوانست به موفقیت برسد. همچنین در این گونه جهان‌بینی، علم از جایگاه بایسته و به عنوان تنها دانش پایه درست و ابزار درست سیاست‌گذاری به کنار نهاده شد و نظرات شخصی رهبران، جای علم را گرفت. این موجب شد سیاست‌ها و برنامه‌ها غیر واقع‌گرایانه باشد و نتواند موجب پیشرفت و تحقق هدف‌ها و آرمان‌های آنها شود.

در طول تاریخ، بشر با تجربه‌های گوناگون اینچنینی روبرو بوده است و دوران حکومت امویان که سنت عرب را به جای علم نهادند و موجب نابودی علم و اقتصاد شدند و دوران سده‌های میانه (قرون وسطی) که نظر کلیسا را به جای علم نهادند و در دوره‌های جدید طالبان، داعش و مانند اینها نیز نمونه تند دینی این گونه خطاهای ویران‌گر است. هر کشور مبتنی بر ایدئولوژی جزم‌گرایانه که به علم ارزش و جایگاه بایسته را نمی‌دهد و نظرات رهبران یا اعتقادات را به جای علم یا برتر از آن قرار می‌دهد، با همین مشکل روبرو است. کشور ما نیز می‌تواند دچار این معضل باشد. برای برون رفت از آن باید جایگاه بایسته اعتقادات و علم را در برنامه ریزی و سیاست‌گذاری بدانیم و آنها را در جایگاه درست و بایسته به کار ببریم.

کشورهای غربی مبتنی بر ایدئولوژی خاصی اداره می‌شوند، ولی همزمان اعتقادات، جهان‌بینی و علم را در جایگاه بایسته خود قرار داده‌اند و از جزم‌گرایی دوری جسته‌اند. علم را تنها ابزار درست سیاست‌گذاری دانسته‌اند و به این علت توانسته‌اند با تعدیل و بروز کردن پیوسته علم و نیز سیاست‌های واقع‌گرایانه، به پیشرفت پیوسته علم، اقتصاد و جامعه خود دست‌یابند. چین نیز در پایان دهه ۱۹۷۰ با یک چرخش قهرمانانه، توانست علم اقتصاد را به جایگاه سیاست‌گذاری بازگرداند و به شکست سنگین ۴۰ ساله حکومت کمونیستی خاتمه دهد و پس از ۴۰ سال قرارداد سیاست‌گذاری‌ها بر پایه علم اقتصاد، بخش عمده‌ای از ویرانگری ابتدای نادرست سیاست‌ها بر پایه نظر مائو را جبران کند.

نگاهی به اندیشه‌های رایج در بخشی از سیاست‌گذاری‌های اقتصادی در ایران و مقایسه وضعیت ایران با کشورهای رقیب نشان می‌دهد که ما نیز در معرض همان خطرهای بزرگ انحراف از مسیر درست سیاست-گذاری عالمانه هستیم. برای انتخاب مسیر درست باید جایگاه بایسته علم و ایدئولوژی را در سیاست‌گذاری و برنامه ریزی توسعه، بدانیم. این نوشتار به تشریح این بایسته اختصاص دارد.

بی شک در بسیاری از کشورها ایدئولوژی محور انتخاب هدف‌های توسعه است. یکی از پایه‌های ایدئولوژی‌ها چگونگی نگاه به جهان است. در برخی کشورها افزون بر هدف‌گذاری، شناخت و تحلیل وضع موجود و یا سیاست‌گذاری هم بر پایه ایدئولوژی بوده است. کشورهای اندکی ایدئولوژی خود را تنها مبتنی بر جهان‌بینی تک بعدی اعتقادی قرار داده‌اند و شناخت و تحلیل وضع موجود را بر پایه آن انجام داده‌اند و می‌توان گفت امروزه بر همگان روشن است که این شیوه نادرستی برای شناخت و تحلیل وضع موجود اقتصاد است. هر چند هنوز برخی تلاش دارند شناخت و تحلیل واقعیت‌ها بر اعتقاد پایه‌ریزی کنند، ولی سیاست‌گذاری و برنامه‌ریزی در کشورهای موفق در دست چنین افرادی نیست.

آنچه درست است این است که جهات‌بینی باید مبتنی بر ۳ نیروی خدادادی عقل، تجربه و دین باشد. این ۳ ابزار، دانستنی‌های درستی را به انسان می‌دهند که می‌تواند همه زندگی او را پوشش دهد. کنار گذاشتن هر یک از اینها در جهان‌بینی اشتباه بزرگی است که در دوره امویان (پس از خلفای راشدین) در صدر، در دوره قرون وسطی، در دوره شوروی و چین کمونیستی رخ داد و به اضمحلال اقتصادی و سیاسی حکومت‌ها منجر شد.

همچنان که جهان‌بینی مبتنی بر عقل تنها، یا تجربه تنها، یا علم تنها، ناقص است، جهان‌بینی مبتنی بر دین تنها نیز ناقص است و انسان و جامعه را از امکانات خدادادی عقل و تجربه در جایگاه بایسته خود محروم می‌کند. همان گونه که آنهایی که علم تنها را مبنای جهان‌بینی قرار می‌دهند راه اشتباهی می‌روند، آنهایی که دین تنها را به عنوان پایه جهان‌بینی انتخاب می‌کنند، نیز به بیراهه می‌روند.

بر این پایه جایگاه درست اعتقادات (دین) در دانش توسعه، تدوین هدف‌های توسعه و نظارت بر سیاست‌های انتخابی برای توسعه است. اعتقادات هیچ جایگاهی در شناخت وضع موجود و تبیین علمی رابطه میان پدیده‌ها ندارد و اگر چنین باشد خطایی زیانبار رخ داده است و حاصل آن عدم توفیق جامعه در تحقق اهداف و آرمان‌هایش خواهد بود.

تجربه شکست کشورهای کمونیستی و شکست روشن چین و شوروی کمونیستی (و تجربه های بسیار دیگر در کشورهای گوناگون و در طول تاریخ) که کوشیدند علم اقتصاد را از تبیین روابط پدیده‌ها و انتخاب سیاست‌های اقتصادی و همچنین هدف‌گذاری و سیاست‌گذاری کنار بگذارند و تنها بر پایه اعتقادات، جامعه را اداره کنند، نشان دهنده شکست و نادرستی این شیوه است.

پس داشتن جهان‌بینی تک بعدی، رفتن به بی‌راهه است. برنامه‌ریزی توسعه با جهان‌بینی تک بعدی نادرست است. جایگاه درست دین و علم در جهان‌بینی اقتصادی، ترکیب و همراهی است. جایگاه علم، تبیین روابط میان پدیده‌ها و دادن ابزار سیاستی و جایگاه اعتقادات همراهی با علم در انتخاب هدف و نظارت بر سیاست‌های انتخابی است. اعتقاد نمی‌تواند در شناخت وضع موجود و تبیین علمی به کار رود.

یادآوری می‌شود بر پایه روش حکومتی پیامبر (ص) و علی (ع) نیز اعتقادات و احکام (دو بخش اصلی دین)، ابزار سیاست‌گذاری نبوده است، بلکه تنها در هدف‌گذاری و نظارت بر سیاست و اجرا به کار رفته است. نگاه دینی متعادل و درست نیز این است.

در یک فرایند سیاست‌گذاری، روش درست، شناخت وضع موجود و شناخت روابط میان پدیده‌ها، با علم است، هدف‌گذاری با همراهی علم و دین است، سیاست‌گذاری بر پایه علم است و نظارت بر سیاست‌ها بر پایه علم و دین است. یادآوری این نکته نیز مهم است که در اینجا ما تنها به یک جنبه خاص جایگاه اعتقادات در شناخت ۴ بخش دانش برای برنامه‌ریزی توسعه پرداختیم و ابعاد دیگر موضوع همچنان جای تامل دارد.

الزامات توسعه در ایران

دکتر فرهاد دژپسند

۱. الزامات تعیین الگو و استراتژی توسعه در کشورها

جهان بینی واندولوژی هر کشور

آرمان هاواهداف کشور

واقعیت های مسلم اقتصادی هر کشور. برای مثال یک کشور با قابلیت وسیع کشاورزی، فقر صنعتی و فقر گسترده، با احتمال بالا مکتب انقلاب سبز را انتخاب می کند.

واقعیت های سیاسی هر کشور. برای مثال کشوری که قشر صاحبان صنعت بخش عمده ساختار سیاسی را در اختیار داشته باشند با احتمال بالا استراتژی توسعه صنعتی انتخاب خواهد شد .

مثال دیگر آنکه با توجه به دیدگاه های سیاسی مسئولین جمهوری اسلامی ایران، اتخاذ الگوهایی که نسبت به فقر و توزیع درآمد حتی در مراحل اولیه بکارگیری الگو، حساس نباشند، غیر محتمل است.

واقعیت های مسلم فرهنگی و اجتماعی هر کشور

مسئولین عالی هر کشور بر روی اهداف و روش توسعه متمرکز می شوند و در طول زمان و بطور متناسب بخش هایی از آن یا کل جهت گیری آن را عوض می کنند که نمونه های این اقدام شامل کشور کره جنوبی، چین، ژاپن و غیره می شود. اینکه روش توسعه یک کشور به یک استراتژی مشخص متعین شود، اقدامی است که از سوی اقتصاددانان در قالب تقسیم بندی متعارف یا خاص انجام می شود.

الزامات توسعه از نگاه دیگر

تجهیز مستمر منابع شامل:

-منابع انسانی:ازطریق آموزش وپژوهش در صور مختلف،

-منابع مالی:ازطریق پس انداز داخلی وتامین مالی خارجی وتبديل به احسن ذخاير کشور

-منابع طبیعی:باحفظ منافع نسل های آتی وپایداری منابع

تخصیص بهینه منابع با تاکید بر:

-منابع انسانی با شایسته گزینی وشایسته سالاری

-سایر منابع با استقرار فضای مطلوب کسب وکار

بهره برداری واستفاده کامل منابع وکالاهای وخدمات نهایی ازطریق :

-افزایش بهره وری عوامل تولید

- مصرف متناسب و صحیح کالاها(به ویژه کالاهای خاص مثل آب و حامل های انرژی)

الزامات توسعه در جمهوری اسلامی ایران

1) توسعه باید مبتنی بر اصول موضوعه مستخرج از اسلام و اسلامی کردن اقتصاد ، و رعایت قوانین و مقررات اسلامی در جامعه و رعایت آموزه های اسلامی در زمینه اقتصاد باشد .

2) توسعه باید مبتنی بر عدالت باشد (اعم از عدالت سرزمینی، و عدالت طبقاتی، و یا عدالت در ابعاد افقی و عمودی، و همچنین عدالت در مراحل قبل از تولید، در تولید، به ویژه در سهم بری عوامل تولید، و بعد از تولید، ...).

2) توسعه باید ضمن پوشش تامین اجتماعی، ایجاد سلامت اقتصادی و حذف تباهی و فساد، به سعادت جامعه و افراد آن منتهی شود.

3) توسعه باید ضمن تعامل با سایر ملل، به استقلال از بیگانگان و رهایی از مستعمره شدن و تسلط کفار منتهی شود.

4) در فرایند توسعه ضروری است ضمن پرهیز از همه رفتارهای اقتصادی نهی شده مانند ربا، اسراف، اتلاف و تبذیر، از تمامی امکانات تولید، نهاده ها و مستانده ها با بهره وری کامل استفاده شده و در بهترین گزینه (تخصیص بهینه عوامل تولید) بکار گرفته شود .

5) در فرایند توسعه ضروری است تجهیز و تخصیص منابع انسانی، به واسطه نقشی که در تخصیص بهینه سایر منابع دارد، از محوریت برخوردار باشد.

6) در فرایند توسعه باید زمینه رشد و ایفای نقش متناسب با فلسفه خلقت و کارکرد اصلی همه عوامل و منابع تولید، از جمله آزادی فکری و تخصصی انسان ها و جای جای آزاد سایر عوامل تولید فراهم باشد.

۲. مروری کوتاه بر اهم واقعیت های اقتصاد ایران

۳. اهم عوامل اصلی موثر بر وضعیت نامناسب شاخص های اقتصادی کشور (طی ده اخیر):

نامناسب بودن نظام تخصیص منابع در کشور (اعم از بخش عمومی و بخش غیر دولتی)

عدم توانایی در ایجاد شرایط رقابتی در حوزه اقتصاد و نامناسب بودن سهولت فضای کسب کار

نبود ثبات در سیاست ها و تصمیم گیری ها

نبود احساس امنیت اقتصادی و به تبع آن عدم سرمایه گذاری مناسب داخلی و خارجی

وجود موانع در جذب منابع خارجی و مساله تحریم ها و ناامن جلوه دادن کشور برای جهانیان

عدم توجه جدی به تخصیص صحیح و بهینه سرمایه انسانی

قانون گریزی بخش عمده ای از اقتصاد و وجود فرار مالیاتی زیاد (حدود ۴۰ درصد ارزش افزوده گرفتار فرار و اجتناب مالیاتی است)

8. بزرگ بودن اندازه دولت و تعدد حوزه های قدرت و عدم توانایی دولت در اجرای سیاست های مورد نظر

9. عدم توجه به مولفه های مدیریت مطلوب (حکمرانی خوب)

10. عدم توجه و اعتنا به بهره وری کل عوامل، بهره وری نیروی کار، بهره وری سرمایه

11. عدم اعتنا و اقدام به برقراری عدالت سرزمینی

12. استمرار وابستگی اعتبارات هزینه ای دولت به درآمدهای پرنوسان نفت (اگر چه در سنوات اخیر کاهش یافت ولی

همچنان به عنوان یک معضل وجود دارد)

۱۳.. ناکافی بودن کفایت سرمایه نظام بانکی به خصوص بانک های دولتی
۱۴. گستره وسیع بازار های غیر متشکل پولی و وسیع بودن فعالیت موسسات اعتباری غیر مجاز و ایجاد اختلال در فرایند اثر گذاری سیاست های پولی بانک مرکزی

۴. پیشنهادهای راهبردی جهت بهبود وضعیت شاخص های اقتصادی کشور:

۱. هماهنگی کامل مجموعه ارکان نظام و بستر سازی برای ایجاد عزم و برپایی اراده ملی در حل مسایل اقتصادی
۲. تامین آزادی های لازم در نظام کارشناسی و تصمیم سازی کشور
۳. ممانعت از هرگونه ایجاد اختلال در تخصیص صحیح و بهینه منابع در کشور
۴. تلاش جدی در بهبود سهولت فضای کسب و کار از جمله محیط نهادی، فنی و قانونی کسب و کار، به ویژه محیط عمومی، کلان و روانی کسب و کار؛ یا به عبارت دیگر فضای کسب و کار یا فضای سرمایه گذاری و خارج کردن فضای سرمایه گذاری از حالت عدم اطمینان
۵. ایجاد بسترهای لازم برای جذب سرمایه گذاری خارجی و جلوگیری از فرار سرمایه
۶. برپایی و تقویت نظام جامع نظارت و ارزیابی در کشور در سه سطح راهبردی، برنامه ای و عملیاتی توأم با نظارت های مستمر میدانی

نگرشی بر نقشه راه به منظور تدوین الگوی توسعه

دکتر فاطمه سادات جعفریه

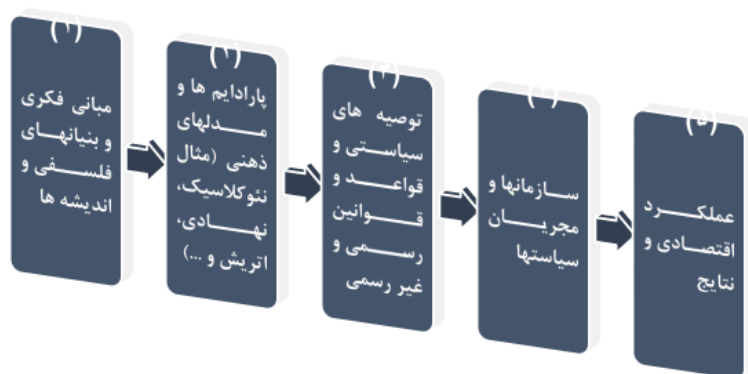


چرا بعد از گذشتن بیش از ۶۰ سال از عمر برنامه ریزی در کشور ما، با وجود بکار بستن تئوریهای اقتصاد رایج، هنوز کشورمان در دستیابی به یک روند پویا، خوداتکا، پایدار و همه جانبه به سمت پیشرفت با چالشهای اساسی روبرو است؟

اشتراک
در مفهوم
توسعه

توسعه: بهبود پروژه های زیربنایی و صنعتی است
مسئله اساسی: تهیه برنامه و تهیه هزینه های مالی و ارزی

استنباطی عینیت گرا و ظاهری و مکانیکی



رابطه بین سیاستها، نظریه ها، پارادایمها و بنیانهای فلسفی

نتیجه اول

رونالد کوز (۱۹۳۷): بازسنجی بنیانها و مبانی فکری تئوری ها: به منظور تدوین نسخه سازگار با واقعیات کشورها در حال توسعه

نتیجه دوم

با اتکا به نگاه تداخلی به رابطه علم و دین ورود شایسته تصدیقات معرفت شناختی و انسان شناختی و قاعده مندی های فکری و نظری آموزه های اسلامی

نتیجه سوم

جلوگیری از ترویج و تحکیم موازین ایدئولوژیک و دلالت های فکری و فلسفی نگرش ارتدکس در حیطه اندیشه ورزی و فرهنگ



برنامه ریزی بالا به پایین مشکلات معرفت شناسی دارد.

- دیدگاه ذهنیت گرایی با برجسته ساختن ذهن در پدیده های اقتصادی معتقد است توسعه محصول خلاقیت و ناول هاست

- خلاقیت مربوط به تک تک افراد است و اگر قرار است برنامه ای تدوین شود، خلق سازه باید توسط خود عاملین باشد
- در برنامه های بالا به پایین، سرشت خلاق انسان نادیده گرفته میشود پس نیازمند یک دولت تسهیل گر و کاتالیزور هستیم

- راه گذاری جز خلاق کردن، استقلال دادن، شخصیت دادن و توانمند کردن سازمانها و عاملین نداریم
سؤال: سیاست‌هایی که در چارچوب برنامه های مختلف برای مشاغل، اصناف، بخش‌های مهم کشاورزی، صنعت و خدمات در حال اجرا هستیم، تا چه حد به زمینه سازی برای تسهیل امور آنها و فراهم کردن شرایط برای تلاش آنها در دنیای رقابت و خلاقیت توجیه، مشروعیت و مقبولیت دارد؟